

کسانی که مصدق را قربانی کردند

محمد هادی جعفرپور

مورخین مصدق را قربانی زبان خودش میدانند. او در مقام وکیل مجلس و سپس در سال اولِ نخست‌وزیری طوری انتظارات عمومی را بالا برد که خودش هم قادر به کنترل توقعات مردمی نبود، او سیاستمداران دیگری مانند رزم‌آرا و قوام را مکرر به تساهل، توطئه و حتی خیانت متهم می‌کرد، این برخوردها که به زعم برخی گزافه‌گویی و قدرشناسی قلمداد می‌شد، عملاً جایی برای آشتی باقی نمی‌گذاشت. مصدق می‌ترسید مبادا با کسی آشتی کند و از سوی دوست و دشمن انگ خائن بخورد اما باید توجه داشت که شرکت نفت ایران انگلیس و دولت بریتانیا هرگز توافق معقولی برای آشتی به مصدق پیشنهاد نداد، برعکس بریتانیا از سال ۱۳۳۰ پیگیر حذف مصدق از طریق نیروهای نظامی بود برخی از اعضای دولت ترومن دوست داشتند از مطالبات مشروع ایران حمایت کنند ولی در نهایت میانجیگری ایالات متحده هم نتوانست عزم بریتانیا را در برکناری مصدق و تحت فشار قرارداد دولت وی تغییر چندانی دهد. مصدق این اعیان‌زاده زمین‌دار اولین سیاستمدار عصر خود بود که اهمیت سیاست‌های توده‌ای راهپیمایی‌ها و تظاهرات عمومی را کشف کرد. طوری که به کرات گفته‌اند رجوع مکرر مصدق به مردم مانعی بود بر سر راه ظهور سازمان‌های سیاسی محکم و خوشساخت. جبهه ملی به‌رغم حیات پنج ساله چیزی نبود مگر ائتلافی سیال و غریب برخی افراد و گرایش‌های سیاسی و احزاب نوپا فقدان حمایت‌های سیاسی سازمان‌یافته و با برنامه از مصدق را دلیل بی‌ثباتی پایگاه قدرت مصدق میدانستند. مصدق حتی در اوایل سال ۳۲ هم می‌توانست با پشتگرمی حمایت‌های عمومی مانورهای امنی انجام دهد؛ مانورهایی که به او اجازه می‌داد منافع قدرت‌های خارجی را به چالش بکشد و به این طریق با مجلس و شاه مقابله کند اما او هرگز متوجه محدودیت‌های سیاست‌های خیابانی نشد...

عامه مردم که زیر بار تورم و بیکاری روزگار سختی می‌گذرانند بیشتر طالب آن بودند که یک دهه آشوب و تظاهرات سیاسی کنار برود و جامعه به آرامش برسد این شد که به رغم حمایت‌های اولیه از نهضت ملی در تیر ماه ۱۳۳۲ حال و هوای بی‌اعتنایی و کلافگی در جامعه احساس می‌شد این حال و هوا با عزیمت شاه به خارج از کشور و حس قدرت‌گیری حزب توده آنچنان شد که حمایت‌های عمومی هم از مصدق دور

شد طوري که حتي حمايت دقيقه ۹۰ حزب توده نتوانست مانع سقوط مصدق شود.

منبع: روزنامه اعتماد 26 مرداد 1402 خورشیدی